نگاه

خیالمان راحت شد

لیلا علی‌کرمی . وکیل پایه‌یک دادگستری

● این سؤال که آیا زنان می‌توانند رئیس‌جمهور شوند، از همان ابتدای تدوین قانون اساسی مورد مناقشه بوده است. سال‌های متمادی از تدوین قانون اساسی گذشته و با وجود بحث‌های صورت‌گرفته هنوز این پرسش بدون پاسخ مانده؛ با این حال همواره این سؤال در محافل سیاسی مطرح بوده و واکنش‌های مثبت و منفی را برانگیخته است.

مدتی از ابراز نظر مثبت سخنگوی شورای نگهبان به امکان کاندیداشدن زنان برای پست ریاست‌جمهوری نگذشته است که سیدرضا اکرمی، عضو جامعه روحانیت مبارز، خیال همه را راحت کرد. او درباره نامزدی زنان در انتخابات ریاست‌جمهوری گفت که زنان باید به استراحت بپردازند و ریاست‌جمهوری را به مردان بسپارند. طبق نظر ایشان زنان در بخش آموزش‌وپرورش، آموزش عالی و پزشکی که زمینه بیشتری دارد، فعالیت کنند و خیلی برای این موضوع وقت نگذارند؛ چون تجربه نهادهای نظارتی نشان می‌دهد داوطلبان زن را نمی‌پذیرند.

احمد خاتمی هم قبلا در خصوص ریاست‌جمهوری زنان اظهارنظر کرده و گفته بود: قانون اساسی تصریح دارد که کاندیداهای ریاست‌جمهوری از رجال باشند و مفهوم رجال هم روشن است.

شاید اظهارنظرهای متناقض سیاست‌مردان در خصوص صلاحیت زنان برای پست ریاست‌جمهوری این امر را به ذهن متبادر کند که اصولا جنسیت تنها دلیل حذف زنان از این عرصه است و نه امر دیگری.

مطابق اصل ۱۱۵ قانون اساسی، رئیس‌جمهور باید از «رجال مذهبی و سیاسی» باشد. بعضی بر این عقیده‌اند که واژه «رجال» جمع کلمه «رجل» و به معنای «مرد» است. در نظر این افراد مطابق قانون اساسی رئیس‌جمهور باید مرد باشد و زن نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود. در مقابل، عده‌ای دیگر بر این باورند که مراد از رجال، شخصیت‌های سیاسی و مذهبی است، فرای جنسیت. به زعم این گروه بر چه مبنا و دلیلی قانون‌گذار جهت نفی صلاحیت زنان برای پست ریاست‌جمهوری از کلمه مرد که واضح و مشخص است استفاده نکرده و در عوض «رجال مذهبی و سیاسی» را که عبارتی مبهم و دوپهلو است، به کار برده است؟

اساسا سیاست‌مردان از همان ابتدای انقلاب که قانون اساسی کشور را می‌نوشتند بر سر مشارکت زنان در اداره کشور اختلاف داشته و اتفاق نظر نداشتند. نگاهی به مشروح مذاکرات مجلس قانون اساسی و بیانات افرادی که در آن دوره حاضر بودند، گواهی بر این امر است. درست است که در زمان تدوین قانون اساسی بر سر صلاحیت زنان برای ریاست‌جمهوری اختلاف نظر وجود داشت، اما نظریه عدم صلاحیت زنان برای ریاست‌جمهوری، مورد قبول جمع درخور توجهی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی نبود؛ حتی برخی فقهای مجلس خبرگان نیز با قراردادن کلمه مرد در متن اصل ۱۱۵ قانون اساسی مخالف بوده و به آن رأی ندادند.

در نهایت به نظر شهید بهشتی که در آن دوره نایب‌رئیس و اداره‌کننده جلسات مجلس بودند: «قانون اساسی فعلی آن قدر مسلم را گفته است؛ یعنی رجال مذهبی می‌توانند زمامدار باشند و فعلا راجع به زنان مسئله را مسکوت گذاشته است تا وقتی که زمینه فقاهتی گسترده آن به صورت روشن آماده شود. در آن موقع می‌توان این را مطرح کرد و به تصویب رساند».

با گذشت سال‌های متمادی هنوز ابهام موجود در کلمه رجال به‌کاررفته در اصل ۱۱۵ قانون اساسی مانعی بر سر راه ورود زنان به عرصه ریاست‌جمهوری است. گویا هنوز زمینه پذیرش زنان در این حوزه برای مردان سیاست فراهم نشده است.

اعظم طالقانی، فرزند آیت‌الله طالقانی، در طول دوره فعالیت سیاسی خود پس از انقلاب از تمام نیروی خود برای روشن‌کردن واژه رجال و بازکردن راه زنان برای کاندیدای ریاست‌جمهوری شدن استفاده کرد. اعظم طالقانی معتقد بود این واژه بر مردبودن تأکید ندارد. او که پیش از انقلاب سابقه مبارزه سیاسی با حکومت وقت و زندان‌رفتن را داشت، پس از انقلاب در سال‌های ۷۶، ۹۲ و ۹۶ برای به رسمیت شناخته‌شدن حق زنان در تصدی مسئولیت‌های کلان، کاندیدای ریاست‌جمهوری شد و هر سه بار شورای نگهبان صلاحیت او را رد کرد. احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان در اردیبهشت سال ۷۶ درباره ۹ زنی که داوطلب ریاست‌جمهوری شده بودند، گفته بود این دسته «از رجال مذهبی و سیاسی» نبودند و نیازی به بررسی شرایط بعدی نبود. در آن زمان خانم طالقانی پاسخ داده بود: «نظر به اینکه از سخنان دبیر شورای نگهبان چنین برمی‌آید که غرض نفی شخصیت مردودین به عنوان رجل مذهبی- سیاسی بوده نه نفی جنسیت، لذا این‌جانب به تلاش و مجاهدت خود تا اعلام تفسیر روشن و شفاف شورای نگهبان ادامه خواهم داد». متأسفانه اعظم طالقانی در زمان حیاتش ثمره تلاش‌هایش را ندید، اما باید اذعان کرد که زنان ایرانی که سوابق مبارزاتی‌شان در به‌ثمررسیدن انقلاب، در دوران جنگ و بازسازی پس از آن و تلاششان برای برابری حقوقی زنان و مردان، بی‌وقفه بوده، تا زمانی که شأن و منزلت واقعی خود را پیدا نکنند، خیالشان راحت نخواهد شد.

طرح مجلس با عنوان «ساماندهی اتباع غیرمجاز» با انتقادهای فراوانی روبه‌رو شده است

قانونی برای تشدید برخورد با مهاجران غیرقانونی

محمد باقرزاده: طرحی که پیوند عمیق ایرانیان با جمعیت بزرگی از مهاجران ساکن در ایران یعنی افغانستانی‌های را در نظر نمی‌گیرد و در صورت تبدیل‌شدن به قانون می‌تواند فاصله‌ای عمیق بین این جوامع هم‌زبان ایجاد کند؛ این خلاصه انتقادها به طرحی با اسم «ساماندهی اتباع خارجی غیرقانونی» است که این روزها در مجلس ایران در حال بررسی است. دو بند حاشیه‌ساز و پرسش‌برانگیز درباره این طرح، مواردی است که به‌گونه‌ای با حادثه خبرساز خرداد امسال در یزد هم مرتبط است؛ نیمه خرداد امسال خودروی حامل مهاجران افغانستانی پس از گذر از ایست بازرسی با شلیک مأموران به لاستیک آن روبه‌رو شد که پس از آتش‌گرفتن خودرو، چند مهاجر جان باختند و تعدادی هم راهی بیمارستان شدند. در آن روزها این خبر با واکنش‌های فراوانی در داخل و خارج از کشور روبه‌رو شد و واکنش‌های از سوی مسئولان دو کشور را نیز به همراه داشت. حالا دو بند این طرح آن حادثه را از استثنا و مورد خاص به قاعده و قانون تبدیل می‌کند و همین زمینه‌ساز انتقادهای فراوانی از سوی فعالان ایرانی و همچنین جامعه مهاجران شده است.

عکس: جاوش همافوندی، جام‌جم

طرح مجلس چه می‌گوید؟

طرح «ساماندهی اتباع خارجی غیرمجاز» بر اساس آنچه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منتشر کرده، با امضای ۲۴ نماینده در اواخر شهریور امسال به هیئت‌رئیسه مجلس ارسال شده است. این طرح ۱۲ بند دارد که البته در کنار انتقادها به کلیت آن، سه بند هم حاشیه‌ساز شده است؛ یک بند که می‌گوید مهاجران قانونی اگر جرمی مرتکب شدند علاوه بر اخراج آنها از کشور، امکان اخراج همسر و فرزندانش هم وجود دارد و همچنین دو بندی که از نوع برخورد با مهاجران غیرقانونی سخن می‌گوید. خلاصه این دو بند می‌گوید که اگر خودروی حامل مهاجران به دستور ایست بی‌توجهی نشان دهد، پلیس حق تیراندازی دارد که اگر مهاجران مجروح یا کشته شوند، دیه‌ای به آنها تعلق نمی‌گیرد و حتی اگر بر اثر شلیک به خودروی حامل مهاجران غیرقانونی، خودرو واژگون شود یا تصادف کند، باز هم بیمه حق پرداخت دیه را ندارد. بندهای طرحی که منتقدان می‌گویند مهاجران را شبیه به تروریست‌ها دیده، به این صورت است: «۱- هر تبعه خارجی که بدون مجوز وارد ایران شده یا در ایران اقامت یا تردد داشته باشد، علاوه بر طرد از کشور به مجازات درجه یک محکوم می‌شود. دادگاه درصورتی‌که اعمال مجازات را به مصلحت نبیند صرفا به طرد از کشور حکم خواهد داد. ۲-رسیدگی به کلیه جرائم موضوع این قانون در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب است. ۳- دادستان‌ها می‌توانند درصورتی‌که تشکیل پرونده کیفری را ضروری ندانند، رأسا دستور طرد اتباع غیرمجاز را به ضابطین و ادارات امور اتباع صادر نمایند. ۴- هر کس با انجام اقداماتی از قبیل تأمین محل سکونت یا جابه‌جایی اتباع غیرمجاز، اقامت یا تردد اتباع را تسهیل کند به مجازات درجه پنج و ضبط اموال و درآمدهای ناشی از جرم محکوم می‌شود. تبصره: وسایل نقلیه مورد استفاده مستقیم یا غیرمستقیم در جابه‌جایی اتباع بنا به تشخیص کمیسیون امور اتباع استانداری‌ها که با حضور قاضی تشکیل می‌شود، از یک ماه تا یک سال بنا به وضعیت ارتکاب و تعداد اتباع و نوع وسیله توقیف می‌شود. چنانچه نحوه و دفعات ارتکاب و تغییر در وسیله نقلیه و تبعات جرم به نحوی باشد که کمیسیون مذکور ضبط خودرو را ضروری تشخیص دهد، پیشنهاد خود را به دادستان ارائه و با دستور دادستان خودرو ضبط می‌شود. این دستور قابل اعتراض در دادگاه انقلاب است و تصمیم دادگاه در این زمینه قطعی است. کمیسیون می‌تواند در خصوص پلمب محل‌های اسکان اتباع نیز به مدت مذکور تصمیم‌گیری نماید. آیین‌نامه نحوه اجرای این تبصره با پیشنهاد وزارت کشور و دادستانی کل کشور توسط رئیس قوه قضائیه تدوین و ابلاغ می‌شود». اما یکی از بندهای خبرساز همین مورد پنج است که درباره شرایط مهاجران قانونی است: «۵- اتباع مجازی که مرتکب جرائم عمدی درجه شش به بالا شوند، در صورت تشخیص کمیسیون فوق از کشور اخراج می‌شوند. کمیسیون می‌تواند همسر و فرزندان تبعه اخراجی را نیز از کشور اخراج کند. تصمیمات کمیسیون استانی مبنی بر اخراج همسر و فرزندان، یک مرحله قابل اعتراض در دادگاه انقلاب است». دو بند حاشیه‌برانگیز دیگر موارد ۷ و ۹ است که در ادامه آورده شده است: «۶- واحدهای کسب و تولید و اشتغال و اصنافی که اتباع غیرمجاز یا اتباع مجاز را در غیرحرفه‌های مجاز از طرف دولت به‌کارگیری نمایند با تصمیم کمیسیون و بدون نیاز به طرح پرونده در مرجع قضائی به جزای نقدی تا یکصد میلیون ریال و پلمب محکوم می‌شوند. تصمیم کمیسیون قابل اعتراض در دادگاه انقلاب است. ۷- دادستان‌ها مکلف‌اند مجوز بازرسی از محل‌های مشکوک تردد و اقامت اتباع و مجوز توقیف و بازرسی خودروهای عبوری مشکوک به حمل اتباع را صادر نمایند. تیراندازی به سمت خودروی حامل اتباع غیرمجاز چنانچه خودرو از ایست و بازرسی پلیس فرار کند و ظن قوی به حمل اتباع باشد، با رعایت سایر ضوابط قانون به‌کارگیری سلاح مجاز است. چنانچه اتباع غیرمجاز وارد ایران شده باشند و پلیس نیز ضوابط را رعایت کرده باشد، دیه‌ای پرداخت نخواهد شد. ۸- در پرونده‌های مهم و کلان قاچاق اتباع و پول‌شویی ناشی از آن وزارت اطلاعات نیز ضابط می‌باشد و مکلف به اقدام مقابله‌ای است. ۹- در حوادث منتهی به فوت اتباع غیرمجازی که بر اثر واژگونی یا تصادف خودروهای مشمول ماده سه رخ می‌دهد، راننده حامل اتباع و سایر ایادی مؤثر در قاچاق مسئول است و در هر صورت بیمه‌ها و بیت‌المال مسئولیتی نخواهند داشت».

در ادامه این طرح سه بند دیگر هم وجود دارد: «۱۰- سرباندها و ایادی اصلی که با برنامه‌ریزی و هدایت جهت تردد و اقامت اتباع فعالیت می‌کنند به مجازات درجه چهار و ضبط اموال ناشی از جرم محکوم خواهند شد. ۱۱- هرگونه تحصیل دارایی و تملک اموال منقول و غیرمنقول توسط اتباع غیرمجاز باطل و بی‌اعتبار است مگر اموال شخصی که تبعه هنگام ورود به کشور همراه خود داشته که هنگام طرد به وی مسترد می‌شود. سایر اموال، چه به نام وی باشد چه دیگری به پیشنهاد کمیسیون و دستور دادستان ضبط می‌شود. اعتراض نسبت به این دستور چه از سوی تبعه چه اشخاص ثالث یک بار در دادگاه انقلاب رسیدگی و قطعی خواهد شد. هر ایرانی که در مخفی‌کردن اموال و دارایی‌های اتباع خارجی غیرمجاز به هر نحو مساعدت کند به مجازات درجه پنج و ضبط اموال تحصیل‌شده محکوم خواهد شد. تبصره: کلیه اتباع خارجی مجاز که مجوز اقامت می‌گیرند (به غیر از اتباعی که با ویزا وارد کشور می‌شوند) نیز مکلف‌اند به صورت سالانه صورت اموال و دارایی‌های تحصیل‌شده در ایران را به امور اتباع استانداری‌ها اعلام کنند. تخلف از این تکلیف یا کتمان اموال مستوجب مجازات فوق‌الذکر است. آیین‌نامه این ماده با پیشنهاد وزارت کشور و دادستانی کل کشور و توسط رئیس قوه قضائیه تدوین خواهد شد. ۱۲- کمیسیون اتباع استانداری متشکل از مدیرکل امور اتباع و فرمانده انتظامی استان و یک نفر قاضی تشکیل و کلیه تصمیمات کمیسیون اتباع استانداری‌ها با تأیید قاضی عضو کمیسیون لازم‌الاجراست».

«این طرح‌ها زندگی را نه سخت بلکه وحشتناک می‌کند»

این طرح در روزهایی مطرح شده که انتشار آن با واکنش‌های انتقادی فراوانی نیز روبه‌رو شده و منتقدان می‌گویند تصویب چنین طرحی می‌تواند شرایط را برای زندگی مهاجران سخت و به وضعیتی دشوارتر از شرایط کنونی تبدیل کند. مهدی جعفری، مهاجر افغانستانی ساکن در ایران و فارغ‌التحصیل زمین‌شناسی در مقطع فوق‌لیسانس در دانشگاه تهران است. او چند سال پیش نامش در رسانه‌های ایران هم مطرح شد؛ زمانی که با رتبه‌ای تک‌رقمی در آزمون کارشناسی ارشد پذیرفته شد اما به دلیل قانونی که مهاجران را مجبور به پرداخت شهریه حتی در دوره‌های روزانه می‌کند، از ثبت‌نام در انتخاب رشته سر باز زد. آن ماجرا در نهایت به تصویب طرحی در ایران منجر شد که به‌طور خلاصه می‌گوید نخبه‌های افغانستانی و افراد مهاجر با رتبه‌های برتر می‌توانند بدون پرداخت شهریه به تحصیل مشغول شوند. جعفری این طرح را زمینه‌ساز نگاه مجرم‌دانستن مهاجران می‌داند و می‌گوید چنین طرح‌هایی زندگی مهاجران را به وحشتی دائمی تبدیل می‌کند. او دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «در ایران روزبه‌روز زندگی برای من مهاجر قانونی افغانستانی ساکن در ایران وحشتناک‌تر می‌شود؛ به همین سادگی. چرا زمانی که این طرح‌ها را ارائه می‌دهند هیچ پژوهش جامعه‌شناختی درباره آن انجام نمی‌شود؟». این فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران معتقد است در بسیاری از طرح‌ها و قوانین ایران به پیوند عمیق بین ایران و افغانستان توجهی نمی‌شود: «بین ایرانیان و جامعه مهاجر افغانستانی ایران نزدیک به ۴۰ سال پیوند عمیقی شکل گرفته است، اما در جامعه ایران مهاجر را یک تافته جدابافته از جامعه می‌دانند و این در حالی است که اصلا چنین نیست و ما همیشه در جامعه بوده‌ایم ولی از نگاه مسئولان یک جامعه جدادیده هستیم». جعفری به مورد کمتر دیده‌شده‌ای درباره این طرح و موارد مشابه هم اشاره می‌کند و آن تأثیر چنین نگاهی بر مهاجران قانونی است: «این طرح دو بعد دارد و علاوه بر مشکلاتی که برای اتباع غیرمجاز لحاظ می‌کند، اتباع غیرقانونی را با محدودیت‌هایی شدید روبه‌رو می‌کند. این طرح‌ها هیچ جایگاهی برای زندگی ۴۰ساله قانونی ما در نظر نمی‌گیرد. این طرح همچنین قانون‌گریزی و عدم پاسخ‌گویی خاصی در خود دارد و دست افرادی را برای برخورد با مهاجران باز می‌گذارد. این طرح زندگی را برای ما مهاجران قانونی نه سخت بلکه وحشتناک می‌کند. این طرح‌ها کوچک‌ترین خطای یک مهاجر را جرم دانسته و مجازات وحشتناکی برای آن لحاظ می‌کنند که این حس را می‌سازد که ما به دلیل مهاجرت و نه ارتکاب جرم، مجازات می‌شویم. اینکه ما می‌گوییم مهاجرت جرم نیست برای همین است». او در ادامه به بندی از این طرح که درباره مجازات جرم مهاجران قانونی است، اشاره می‌کند و می‌گوید: «الان البته در همین طرح می‌گوید که اگر یک مهاجر قانونی جرمی مرتکب شود، این امکان فراهم می‌شود که خانواده و فرزندان هم جریمه شوند. این قوانین مهاجرت را جرم تلقی می‌کند و نه خطای مهاجر را. در ایران اگر اشتباهی از فرد مهاجر سر بزند پیش از بررسی خطا، مهاجرت بررسی می‌شود و این حس را می‌سازد که مهاجرت جرم تلقی می‌شود». او در ادامه چنین طرح‌هایی را نتیجه نگاه غیردقیق به جامعه مهاجران می‌داند و معتقد است که این طرح‌ها نه به ریشه که به صورت‌مسئله می‌پردازند: «در این ۴۰ سال مسئولان توجهی به پیوند ما با این جامعه نکرده‌اند و صرفا ما سربار دیده شده‌ایم، درحالی‌که تأثیر مثبت جامعه مهاجر را بر اقتصاد یا هر مورد دیگری می‌توان دید. مهم‌ترین اتفاقی که می‌تواند برای ساماندهی رخ دهد، این است که ما در سیاست‌گذاری به عنوان بخشی از جامعه دیده شویم و اگر این اتفاق رخ دهد، خیلی از مشکلات ما کم خواهد شد. در این طرح جای اینکه به ریشه‌ها و علل مهاجرت پرداخته شود، کاملا صورت‌مسئله را خط‌خطی می‌کنند». اما جامعه مهاجران افغانستانی تا چه اندازه در ایران امکان فعالیت دارند و آیا در این سال‌ها توانسته‌اند نقشی بر روند قانون‌گذاری ایفا کنند؟ می‌توان این انتقاد را به جامعه تحصیل‌کرده و نخبگان افغانستانی ساکن در ایران داشت که در این سال‌ها منفعلانه نظاره‌گر شرایط بوده‌اند و تلاشی اساسی برای تغییر شرایط نداشته‌اند؟ جعفری در پاسخ به این پرسش بخشی از نقد را درست می‌داند، اما ریشه این انفعال را در نبود هرگونه امکان فعالیت می‌داند: «با این بحث تا اندازه‌ای موافقم. جامعه مهاجر ما هم منفعل است و صدای واحدی برای اعتراض در موارد مشابه نداریم. این نقد وارد است ولی چرایی آن چندان به ما وارد نیست. یکی از دلایلی که هیچ وقت جبهه‌گیری مناسبی از سمت ما جامعه مهاجر نسبت به این موارد دیده نمی‌شود، نبود امکان اعتراض و کنش و فعالیت است. ما تشکل، تریبون و رسانه‌ای نداریم که ممکن است بخشی از آن به ما مربوط شود ولی بخش وسیعی به جامعه میزبان برمی‌گردد که هیچ‌گاه اجازه فعالیت و بلندشدن صدای جامعه مهاجر را نداده است».

چرا محیط زیست جهان از رفتن ترامپ خوشحال است؟

ابراهیم احمدیان: در مقایسه با سیاست‌مداران معاصر جهان ما، ترامپ مردی متفاوت و شاید دقیق‌تر این است که بگوییم «غیرمتعارف» است. سخنان او در توییتر هر روز دست به دست می‌شد و یکی از علل بالابودن تعداد دنبال‌کنندگان او در توییتر کنجکاوی مردم بود که «ببینیم امروز ترامپ چه گفته!». حتی گاه سخنان ترامپ اسباب خنده مردم جهان را فراهم می‌کرد؛ مثلا آن روز سرد زمستانی که برای تمسخر نظریه گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی توییت کرد: «پس این گرمایش زمین چی شد؟!». تا اینجای کار شاید خیلی مهم نباشد ولی او در عمل هم متفاوت و غیرمتعارف بود. ترامپ برعکس همه نامزدهای ریاست‌جمهوری در کشورها که غالبا با وعده سخت‌گیری در نظارت‌های زیست‌محیطی و هزینه در این راه، فعالیت‌های انتخاباتی خود را آغاز می‌کنند، با تبلیغات علیه این نظارت‌ها فعالیت‌های انتخاباتی خود را کلید زد. زمانی که روی کار آمد، به وعده‌های خویش تقریبا عمل کرد و تغییرات شگفت‌انگیزی را رقم زد. در عرصه محیط زیست، یک قلم از اقدامات او، انتصاب اسکات پروئیت، دادستان جمهوری‌خواه از اوکلاهما به عنوان ریاست سازمان محیط زیست آمریکا بود. در جهان ما شاید شگفت باشد مردی که هوادار یا سهام‌دار فعالیت‌های مرتبط با سوخت فسیلی و داشتن ارتباطات مشکوک با شرکت‌های نفتی شناخته می‌شود، رئیس سازمانی شود که تاکنون یکی از وظایف او درافتادن با سوخت فسیلی بوده است؛ اما این مرد متفاوت یعنی دونالد ترامپ، کسی را رئیس سازمان محیط زیست کرد که در زمان نشستن بر کرسی سناتوری، لابیگر سرمایه‌داران سوخت فسیلی بود و سال‌ها علیه مقررات حفاظت از محیط زیست تلاش کرده بود. پس از استعفای پروئیت به دلیل فساد مالی، معاون او، اندرو ویلر سرپرست سازمان شد که او نیز لابیگر صنعت معدن بود. تغییرات روی‌داده در قوانین و مقررات زیست‌محیطی در دوره ترامپ و رؤسای سازمان حفاظت محیط زیست او چنان گسترده و عمیق بوده است که اساسا یکی از شعارهای مهم جو بایدن در تبلیغات ریاست‌جمهوری اخیر تبدیل شد به «قوانین و مقررات زیست‌محیطی قبلی را برمی‌گردانیم».

روی‌کارآمدن مردان غیرمتعارف در آمریکا نه‌فقط برای محیط زیست آمریکا بلکه برای جهان ما خطری جانکاه است. جدا از اینکه آمریکا یکی از اولین کشورهای آلوده‌کننده جو کره زمین است، این کشور توانایی دارد که با سیاست‌های خود تغییرات زیست‌محیطی کلانی را در جهان رقم بزند و جریان‌هایی جهانی راه بیندازد یا آنها را زمین‌گیر کند. آمریکا با قدرت تأثیرگذاری اقتصادی بالای خود می‌تواند با تحریم کشورها دسترسی به فناوری زیست‌محیطی را محدود کند و با محروم‌کردن کشورهای درحال‌توسعه از امکانات جدید فاجعه زیست‌محیطی بیافریند یا به آن دامن بزند. ارزانی قیمت سوخت‌های فسیلی از موضوعاتی است که آمریکا با توجه به موقعیت مهم سیاسی، اقتصادی و نظامی‌اش، توانایی بالایی در آن دارد و این ارزانی می‌تواند تلاش‌ها برای رسیدن به انرژی پاک را از صرفه بیندازد. ارزان‌کردن نفت همان کاری است که ترامپ دنبال آن بود و بابت آن بارها از عربستان سعودی صریحا تشکر کرد. دولت آمریکا می‌تواند پیمان‌های زیست‌محیطی جهان را با خروج یا ورود خود به‌شدت تضعیف یا تقویت کند و حتی در ذهنیت بخشی از مردم جهان نسبت به مسائل مهم محیط زیست تردید ایجاد کند.

می‌دانیم که روی‌کارآمدن جو بایدن باعث گرایش معجزه‌آسای آمریکا به سوی سبزکردن جهان نمی‌شود ولی دست‌کم جهان و محیط زیست جهان ما از پایان تلاش‌های زیان‌بار مردی خوشحال می‌شود که پژوهش‌ها و دستاوردهای علمی قاطبه دانشمندان جهان در موضوع محیط زیست را در جایگاه ریاست‌جمهوری آمریکا انکار و با سرعت و قدرت تمام قوانین و مقررات زیست‌محیطی و دستاوردها و پیمان‌های جهانی را راهی سطل زباله می‌کرد.

ادامه از صفحه ۵

واگذاری بدون مناقصه کیک پسماند

شریعتی این باطله‌ها را حق بخش خصوصی می‌داند و بیان می‌کند: اگر بازیافت باطله‌ها به قرارگاه خاتم داده شده باشد، باز هم این باطله‌ها به خصولتی‌ها واگذار شده است. خصولتی‌ها از نظر مالیات و... به‌صورت شفاف عمل نمی‌کنند. او ادامه می‌دهد: این نحوه عملکرد نارضایتی ایجاد می‌کند. بخش خصوصی در زنجان اعتقاد دارد که سال‌های سال منتظر بوده است به تکنولوژی بازیافت دست پیدا کند و حالا که به این تکنولوژی دست یافته است، چرا باید بهره‌برداری به بخش دیگری واگذار شود. عضو هیئت‌مدیره خانه اقتصاد درباره برگزاری مزایده برای واگذاری باطله‌ها چیزی نشنیده است. او می‌گوید: بر اساس قانون پسماندها، این باطله‌ها متعلق به دولت است. دولت می‌تواند درباره پسماندهای ویژه و خاصش تصمیم بگیرد. البته این را هم بگوییم که اگر مزایده برگزار می‌شد، هیچ شرکت خصوصی‌ای در ایران توانایی برنده‌شدن در آن مزایده را خواه‌ناخواه نداشت. شریعتی برگزاری مزایده را عاملی برای ایجاد شفافیت معرفی می‌کند و بر این باور است که شرکت‌های زیاد ایرانی و خارجی متقاضی پسماندهای سرب و روی بوده‌اند.

او ادامه می‌دهد: روسیه در تکنولوژی معدن سرآمد است و ما معادن زغال‌سنگ خود را مدیون روس‌ها هستیم. روس‌ها هم متقاضی این باطله‌ها بودند. اگر قرار بود مزایده‌ای برگزار شود، احتمال داشت کنسرسیوم‌های ایرانی - روسی یا ایرانی - چینی در مزایده شرکت کنند. عضو هیئت‌مدیره خانه اقتصاد تأکید می‌کند: اگر واقعا بدون مزایده و با ترک تشریفات باطله‌ها به قرارگاه خاتم‌الانبیا داده شده است، کاری از دست هیچ‌کس برنمی‌آید. امیدواریم قرارگاه کار کند، نیروی کار خوب استخدام کنند، مالیات بدهند و همه از این موضوع منتفع شوند.

مواد استراتژیک موجود در باطله

شریعتی درباره اهمیت این باطله‌ها عنوان می‌کند: برخی عناصر مثل کروم، نیکل و کبالت در صنایع نظامی کاربرد دارند و عناصر استراتژیک به شمار می‌روند. باید دید دولت در واگذاری باطله‌ها چه بحثی را دنبال می‌کند؛ به بحث استراتژیک‌بودن توجه داشته یا درآمدهای اقتصادی را پیگیری کرده است. او اضافه می‌کند: شاید به‌خاطر استراتژیک‌بودن مواد داخل باطله‌ها، بازیافت به قرارگاه خاتم واگذار شده است. در باطله سرب و روی، نیکل و کبالت و آرسنیک و همه‌جور عنصری داریم. ترکیبی از همه عناصر فلزی در خاک انگوران وجود دارد که در جریان بازیافت استخراج می‌شود.

جابه‌جایی پسماند غیرمنطقی است

عضو هیئت‌مدیره خانه اقتصاد در واکنش به اعتراض مردم روستاهای استان زنجان و نگرانی‌های آنها درباره دپوی پسماند سرب و روی می‌گوید: خیلی بد است که در سال ۲۰۲۰ حداقل مسائل زیست‌محیطی توسط ارگان‌ها رعایت نمی‌شود. ای‌کاش یک سد باطله استاندارد بزنند، زیرا جابه‌جایی باطله‌ها اقدام درستی نیست. او اضافه می‌کند: برای ساخت سد باطله استاندارد، ابتدا مکان‌یابی انجام می‌شود. بستر سد رس‌کوبی می‌شود و یک لایه ضد نفوذ می‌سازند تا باطله سرب در آن قرار گیرد. صنعت فراوری، برای خروجی دودکش استانداردهای لازم را رعایت می‌کند. عضو هیئت‌مدیره خانه اقتصاد تأکید می‌کند: اگر قرار است جابه‌جایی انجام شود، با رعایت تمامی استانداردها و پروتکل‌ها باید باشد. هر چیزی که باعث بشود آلودگی مجدد پخش شود، باید به کار گرفته شود. او اضافه می‌کند: این شرکت‌ها باید برای بحث محیط زیست هزینه کنند. مگر می‌شود بیشترین آورده را برای خودم و مجموعه‌ام در نظر بگیرم، بدون اینکه به محیط زیست توجه کنم. استانداردها در دنیا وجود دارد. ما اولین شرکتی نیستیم که می‌خواهیم باطله‌هایمان را جابه‌جا کنیم. باید به استانداردها توجه کنیم.

تجدید مناقصه عمومی (یک مرحله ای) به شماره ۰۹/۰۷۰-۹۹

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان تهران (سهامی خاص)

کد فراخوان : ۲۰۹۹۰۹۲۷۶۹۰۰۰۱۵۴ | مجوز شماره ۱۳۹۹.۴۹۴۵ | نوبت دوم

شرکت گاز استان تهران در نظر دارد اجرای تعمیرات اداره گاز قرچک و سرویس بهداشتی اداری و حراست اداره گاز پیشوا را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

۱ -نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت گاز استان تهران
تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، نبش خیابان اراک، ساختمان شماره ۱۶۰، طبقه چهارم، بلوک ۷، امور قراردادها

۲ -موضوع مناقصه:
- اجرای تعمیرات اداره گاز قرچک و سرویس بهداشتی اداری و حراست اداره گاز شهرستان پیشوا(ساختمانهای عملیاتی)

۳ -مدت اجراء پیمان: ۱۵۰ (یکصد و پنجاه) روز تقویمی می باشد.

۴ - نماینده دستگاه مناقصه گزار: مدیریت مالی و پشتیبانی

۵ - محل اجراء پروژه: اداره گاز قرچک و پیشوا می باشد.

۶ - نوع و میزان تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی/ نقدی به مبلغ ۷۰۴٬۴۵۰٬۰۰۰ (هفتصد و چهار میلیون و چهارصد و پنجاه هزار) ریال می باشد.

۷-مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ۱۳۹۹/۰۹/۰۸ تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۲ می باشد.

۸ - زمان ارسال پیشنهادات: روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۳ و محل ارسال آن سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می باشد.

۹ - زمان گشایش پیشنهادات: روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۴ و محل گشایش آن سالن کنفرانس طبقه سوم می باشد.

۱۰ - مدت اعتبار پیشنهادات: مدت اعتبار پیشنهادات سه ماه می باشد .

۱۱ - شرایط متقاضی:
- ✓ داشتن رتبه ۵ ساختمان و ابنیه از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور .
- ✓ داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه. (داشتن حداقل یک کار مشابه)
- ✓ داشتن حسن سابقه در کارهای قبلی.
- ✓ داشتن توان مالی.
- ✓ داشتن ظرفیت خالی.
- ✓ داشتن گواهینامه تائید صلاحیت ایمنی پیمانکاران.
- ✓ ثبت نام و اخذ کد اطلاع رسانی مناقصات از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ✓ عطف به آئین نامه اجرایی راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی ،انعقاد قراردادهای بیش از ۱۰ برابر نصاب معاملات متوسط ، صورتهای مالی حسابرسی شده توسط حسابدار رسمی، عضو جامعه حسابداران رسمی مورد نیاز می باشد .

متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند "۱۱ " فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند، می توانند در مهلت تعیین شده فوق الذکر، جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت گاز استان تهران